

تعمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی که گرفته تا بزرگ‌ترین مراکز درمانی، فرهنگی و آموزشی کشور در پایتخت متمرکز شده‌اند. نتیجه چنین تمرکزی، انباشت جمعیت، خودرو، موتورسیکلت و سفرهای درون‌شهری است؛ وضعیتی که ترافیک را از یک مسئله شهری به یک بحران دائمی تبدیل کرده است. براساس آمارهای رسمی، تهران حدود ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر جمعیت ثابت و نزدیک به ۴ میلیون نفر جمعیت شناور دارد. در این شهر بیش از ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار خودرو و تقریباً همین تعداد موتورسیکلت در حال تردد هستند. اعداد به تنهایی گویای حجم فشار وارده بر شبکه معابر پایتخت هستند، اما آنچه در کف خیابان دیده می‌شود تنها تراکم ترافیک نیست، بلکه نوعی فرسایش تدریجی نظم اجتماعی است.

■ **حسین فاضلی**

تهران را می‌توان نسخه کوچک شده‌ای از ایران دانست، شهری که تقریباً تمام شاخص‌های یک کشور را در خود جای داده است. از مراکز اصلی تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی گرفته تا بزرگ‌ترین مراکز درمانی، فرهنگی و آموزشی کشور در پایتخت متمرکز شده‌اند. نتیجه چنین تمرکزی، انباشت جمعیت، خودرو، موتورسیکلت و سفرهای درون‌شهری است؛ وضعیتی که ترافیک را از یک مسئله شهری به یک بحران دائمی تبدیل کرده است.

براساس آمارهای رسمی، تهران حدود ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر جمعیت ثابت و نزدیک به ۴ میلیون نفر جمعیت شناور دارد. در این شهر بیش از ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار خودرو و تقریباً همین تعداد موتورسیکلت در حال تردد هستند. اعداد به تنهایی گویای حجم فشار وارده بر شبکه معابر پایتخت هستند، اما آنچه در کف خیابان دیده می‌شود تنها تراکم ترافیک نیست، بلکه نوعی فرسایش تدریجی نظم اجتماعی است.

■ **سرگیجه قانون**

کافیست سری به خیابان‌های اطراف بازار تهران، مولوی، شوش، خیام و بخش‌هایی از جنوب پایتخت زده شود. موتورسیکلت‌هایی که پیاده‌رو را به مسیر اختصاصی خود تبدیل کرده‌اند، خودروهایی که خطوط ویژه را اشغال می‌کنند و رانندگانی که چراغ قرمز را نه بنگ الزام قانونی، بلکه یک پیشنهاده اختیاری تلقی می‌کنند.

در چنین فضای، قانون بیش از آنکه اجرا شود، مشاهده می‌شود. خطوط ویژه اتوبوس که باید به تسهیل حمل‌ونقل عمومی کمک کنند، در بسیاری از ساعات روز در تصرف موتورسواریانی است که بدون کمترین نگرانی از جریمه یا توقیف در آن حرکت می‌کنند. پیاده‌روها که باید امن‌ترین بخش معابر برای شهروندان باشند، به گذرگاه وسایل نقلیه تبدیل شده‌اند. نتیجه این وضعیت، کاهش احساس امنیت، افزایش تنش‌های اجتماعی و رشد تدریجی بی‌اعتمادی به کارآمدی قوانین است.

■ **آخرین حلقه مدیریت ترافیک**

باین حال، ساده‌ترین و البته نادرست‌ترین تحلیل آن است که تمام مسئولیت این آشفتگی را متوجه پلیس بدانیم. واقعیت این است که پلیس آخرین حلقه زنجیره مدیریت ترافیک است. زنجیره‌ای که از سیاست‌گذاری کلان آغاز می‌شود و به خیابان ختم می‌شود. سال‌هاست خودروهای جدید به نواگان کشور اضافه می‌شوند، اما ظرفیت معابر افزایش متناسبی پیدا نکرده است. حمل‌ونقل عمومی با کمبود شدید نواگان مواجه است. فرسودگی خودروها و موتورسیکلت‌ها همچنان ادامه دارد و زیرساخت‌های شهری با سرعت رشد جمعیت و وسایل نقلیه همخوانی ندارد. در چنین شرایطی، حتی اگر هزاران نیروی جدید پلیس نیز به خیابان‌ها اضافه شوند، مسئله به‌طور بنیادین حل نخواهد شد.

■ **از نگاه آمار**

نگاهی به آمارهای سال گذشته ابعاد بحران را روشن‌تر می‌کند. سرهنگ فیروز

سال گذشته ۷۸۶ نفر در تصادف‌های تهران کشته شدند

شکست قانون در خیابان‌های پایتخت



کشور، معاون اجتماعی پلیس تهران اعلام کرده است که در

سال گذشته ۷۸۶ نفر در سوانح رانندگی پایتخت جان خود را از دست داده‌اند. همچنین ۲۶ هزار و ۴۴۵ نفر مجروح شده‌اند و بیش از ۱۴۱ هزار پرونده خسارت ناشی از تصادفات ثبت شده است. پشت هر عدد، یک زندگی قرار دارد، پدری که دیگر به خانه بازنگشته، مادری که قربانی بی‌احتیاطی شده یا جوانی که آینده‌اش در چند ثانیه نابود شده است. این آمارها تنها ارقام خشک اداری نیستند، بلکه روایتی از یک بحران اجتماعی هستند که هر روز در خیابان‌های شهر تکرار می‌شود. خسارت‌های ناشی از تصادفات نیز کمتر از تلفات انسانی نیست. برآوردها نشان می‌دهد هزینه سوانح رانندگی معادل ۹ تا ۱۱ درصد بودجه کشور است و به ازای هر جانباخته حدود ۸ میلیارد تومان خسارت به اقتصاد ملی وارد می‌شود. برخی محاسبات، حتی از رقمی معادل ۱۷ درصد بودجه سالانه کشور سخن می‌گویند. بانک جهانی نیز خسارت ناشی از تصادفات در ایران را بین ۷ تا ۶ درصد تولید ناخالص ملی برآورد کرده است.

■ **از دست رفتن سرمایه انسانی**

این در حالی است که کشور همزمان با بحران کاهش جمعیت و نگرانی درباره از دست رفتن نیروی انسانی جوان روبه‌رو است. دولت از یک‌سو سیاست‌های تشویقی برای فرزنداوری تدوین می‌کند و از سوی دیگر سالانه هزاران نفر در جاده‌ها و خیابان‌ها قربانی سوانح رانندگی می‌شوند. سرهنگ فیروز کشمیر، معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور تهران بزرگ، نیز اخیراً آمار نگران‌کننده‌ای از وضعیت ماه‌های اخیر ارائه کرده است. به گفته او، از ۹ اسفند ۱۴۰۴ تاکنون، ۶۸ نفر در تصادفات پایتخت جان باخته‌اند، ۵۷۱۷ نفر مجروح شده‌اند و بیش از ۲۷ هزار فقره تصادف خسارتی به ثبت رسیده است. در همین بازه زمانی بیش از ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار مورد اعمال قانون انجام داده است. حدود ۲۷۰ هزار مورد تخلف حادثه‌ساز، بیش از یک میلیون مورد تخلفات ساکن، ۹۶ هزار مورد تخلفات مرتبط با پلاک، ۲۹۸ هزار مورد عدم استفاده از کلاه ایمنی و ۱۴۸ هزار مورد استفاده از تلفن همراه حین رانندگی ثبت شده است.

■ **امکان یا اختیاری؟**

این آمارها یک واقعیت مهم را آشکار می‌کنند؛ پلیس حضور دارد، جریمه و توقیف می‌کند و اعمال قانون انجام می‌دهد، اما تخلف همچنان ادامه دارد. به بیان دیگر، چرخه تخلف، جریمه و بازگشت به تخلف متوقف نشده است. شاید مهم‌ترین پرسش همین جاشکل بگیرد؛ آیا پلیس توانایی جمع‌آوری یکباره بساط تخلفات گسترده را ندارد یا اختیاری آن را ندارد؟

بسیاری از کارشناسان معتقدند مشکل بیش از آنکه به توان عملیاتی پلیس مربوط

سرتق خونین برای تهیه طلای عروس

می‌داد سارق با بسارقاتی به این خانه دستبرد زده

و حین سرتقت، پیرزن را با ضربات چوب دستی به پرنگاه مرگ کشاندند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت که تیم پزشکی اعلام کرد گوهر از مرگ نجات پیدا کرده و به هوش آمده است.

زن سالخورده پس از بهبودی نسبی، به مأموران گفت: «چند ماه قبل من مدیر ساختمان بودم. آن زمان، مرد جوانی به نام پُزمان نظافت ساختمان را انجام می‌داد، اما مدیر جدید ساختمان، فرد دیگری را برای نظافت استخدام کرد. من دیگر پُزمان را ندیده‌بودم تا روز حادثه.»

■ **نقشه شوم در لباس در خواست کار**
وی ادامه داد: «روز حادثه، از بیرون وارد ساختمان شدم که ناگهان پُزمان را دیدم. او همراه من وارد ساختمان شد. می‌گفت دنبال کار است و تا دم در خانه‌ام با من آمد. از من خواست برایش کاری پیدا کنم. به او گفتم به دوستان و بستگانم می‌سپارم. کارگری نیاز داشتند خبر می‌دهم. در روز بروز مردی را جلوی در گذاشت و مانع بسته‌شدن در شد. بعد مرا به داخل خانه‌ها دل.»

■ **حمله با چوب دستی و خفگی**
گوهر با صدایی لرزان ادامه داد: «ویک چوب دستی

■ **غلام‌رامسکنی**

تازه‌داماد که برای تهیه طلای عروسی به پول نیاز داشت، با چوب دستی به جان پیرزن مدیر ساختمان افتاد و ۳ میلیارد تومان طلایش را سرتقت کرد.

چند روز قبل، زن سالخورده‌ای در تهران با تلفن همراه پسر جوانش تماس گرفت، صدایش به سخنی از گویی بیرون می‌آمد و با کلمات پریشان‌برده گفت: «پسرم، خودت را به خانه‌ام بیاور. سالم خلی می‌باش. مرد جوان که آن‌ شنیدن صدای مادرش بهت‌زده شده بود، بی‌درنگ خود را به خانه او در یکی از خیابان‌های شرقی تهران رساند. وقتی در باز کرد، با صحنه هولناکی روبه‌رو شد. مادرش خونین و بی‌هوش روی زمین افتاده بود. کنارش یک چوب دستی قرار داشت که آثار خون روی آن به وضوح دیده می‌شد. همه چیز حکایت از آن داشت که با همان چوب دست او ضرب زده شده است. مرد جوان مادرش را برای نجات جانش به بیمارستان منتقل کرد و بلافاصله حادثه را به پلیس خبر داد.

■ **ردپای سارق؛ به‌هم ریختگی خانه**

در حالی که زن سالخورده به نام «گوهر» تحت درمان قرار داشت، پلیس برای بررسی در محل حادثه حاضر شد. به‌هم ریختگی وسایل خانه نشان

قتل همسایه به خاطر اختلاف ملکی

مردی که در شهرستان درود در جریان اختلاف ملکی با همسایه‌اش درگیر شده و او را به قتل رسانده بود، بازداشت شد.

به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی پلیس شهرستان درود، مأموران پلیس روز گذشته بعد از دریافت گزارش حادثه تیراندازی در یکی از روستاهای اطراف در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مردی در جریان نزاع دسته جمعی با شلیک گلوله اسلحه شکاری هدف قرار گرفته و به دلیل شدت جراحت فوت شده است. همچنین پنج نفر از اهالی هم مجروح و روانه مرکز درمانی شده‌اند. بررسی‌ها نشان داد مقتول با شلیک مرد همسایه به کام مرگ رفته است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، متهم تحت تعقیب قرار گرفت و بازداشت شد. او گفت: با مقتول از مدت‌های قبل اختلاف ملکی داشتیم که با هم درگیر شدیم. درگیری با حضور شماری از اهالی به خشونت کشیده شد که من کنترل رفتارم را از دست دادم و دست به اسلحه شکاری بردم که حادثه خونین رقم خورد.

به جوان دوباره نگاه کن Javanonline.ir

حجوات

سرویس حوادث ۰۶۰۸۵۲۳



باشد، به محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی بازمی‌گردد. به‌خورد‌های گسترده و قهپری با میلیون‌ها موتورسوار و راننده متخلف، پیامدهای اجتماعی خود را دارد. به همین دلیل پلیس ناچار است میان اجرای قانون و مدیریت پیامدهای اجتماعی آن تعادل برقرار کند. در چنین شرایطی، نقش پلیس از یک نهاد بازدارنده به نهادی هشداردهنده تنزل پیدا می‌کند؛ نهادهی که تخلف را می‌بیند، ثبت می‌کند و گزارش می‌دهد، اما توان تغییر همه متغیرهای مؤثر بر وقوع تخلف را ندارد.

آینده مدیریت ترافیک تهران نیز احتمالاً نه در افزایش تعداد مأموران، بلکه در توسعه سامانه‌های هوشمند نهفته است. دوربین‌های کنترل تخلف، تحلیل داده‌های ترافیکی، هوش مصنوعی، سامانه‌های یکپارچه نظارت و حذف مداخلات انسانی می‌توانند بخشی از خلأهای موجود را جبران کنند. بسیاری از کلان‌شهرهای جهان سال‌هاست از مدل پلیس هوشمند استفاده می‌کنند و نقش نیروی انسانی را به حداقل رسانده‌اند. با این حال حتی هوشمندسازی نیز بدون اصلاح زیرساخت‌ها، توسعه حمل‌ونقل عمومی، نوسازی ناوگان فرسوده، فرهنگ‌سازی مستمر و بازنگری در سیاست‌های کلان خلأی‌ها و نتیجه مطلوب نخواهد رسید. تهران امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک فرماندهی واحد برای مدیریت بحران ترافیک است. بحرانی که قربانیان آن فقط کشته‌ها و مجروحان نیستند، بلکه میلیون‌ها شهروندی هستند که هر روز ساعت‌ها از عمر خود را در خیابان‌های قفل شده، هوای آلوده و نظم از دست رفته پایتخت جا می‌گذارند. تا زمانی که نگاه مسئولان به ترافیک صرفاً یک مسئله پلیسی باشد، آمارها تغییر چندانی نخواهد کرد. ترافیک تهران محصول تصمیم‌های چند دهه‌ای است و حل آن نیز نیازمند اراده‌ای فراتر از اختیارات پلیس خواهد بود، چراکه پلیس اگرچه در خط مقدم ایستاده، اما تنها بازیگر این میدان نیست.

■ **پُزمان، سابقه‌داری؟**

نه، هیچ سابقه‌ای ندارم.

■ **چه شد که تصمیم به سرتقت گرفتی؟**

من خلافتاک نبودم، اما مدتی قبل نامزد کردم. برای برگزاری مراسم عروسی و تهیه سرویس طلا برای نامزدم، نیاز به پول زیادی داشتم. می‌دانستم از راه کارگری نمی‌توانم این همه پول به دست بیاورم، به همین دلیل تصمیم گرفتم طلاهای آن پیرزن را سرتقت کنم.

■ **از کجا خبر داشتی او مقدار زیادی طلا دارد؟**

او مدیر ساختمان بود. من برای نظافت به آن ساختمان و حتی به خانه‌اش رفت و آمد داشتم. گوهر به من اعتماد داشت. در رفت و آمد به خانه‌اش، متوجه شدم مقدار زیادی طلا و جواهرات در خانه نگهداری می‌کند، به همین خاطر وسوسه شدم.

■ **درباره روز حادثه توضیح بده.**

آن روز طبق نقشه قبلی، در نزدیکی خانه‌اش کمین کردم و منتظر گوهر بودم. وقتی او را دیدم، به پناهانه اینکه برایم کاری پیدا کند، نزدیش شدم و همراه او تا دم خانه‌اش رفتم. به زور وارد خانه‌اش شدم و طلاهایش را سرتقت کردم.

■ **چرا او اکتف زد؟**

می‌خواستم بترسانمش تا طلاهایش را به من بدهد، چون اول قبول نمی‌کرد و می‌خواست با داد و فریاد همسایه‌ها را خیر کند. عصبانی شدم و کنترل خودم را از دست دادم.

■ **با خودت چوب دستی برده بودی؟**

بله، از قبل با خودم برده بودم. با همان چوب دستی، او را زخمی کردم.

■ **فکر نمی‌کردی فوت کنی؟**
راستش آن لحظه می‌خواستم فوت کنم، چون مرا می‌شناخت و اگر زنده می‌ماند، لو می‌رفتم. اما الان که دستگیر شدم و فهمیدم زنده است، خیلی خوشحالم. عذاب‌وجدان رهایم کرده است.

■ **طلاها را چه کار کردی؟**

فروختم. با پول آن، مقداری طلا برای نامزدم خریدم و مقداری هم برای هزینه عروسی‌مان نگه داشتم.

■ **یادداشت**

گشت مشترک پلیس و اتحادیه املاک در راه است

مشاوران املاک نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل قیمت و ایجاد ثبات بازار مسکن و سایر مستغلات دارند، به گونه‌ای که اگر قیمت‌گذاری‌های این حوزه در چارچوب قوانین اجرا شود، شاهد وجود ثبات و امنیت بیشتری در بحث قیمت‌های این حوزه خواهیم بود، در غیر این صورت وجود برخی عناصر نامطلوب در حوزه مشاوران املاک می‌تواند چالش‌های بسیاری را نه تنها در موضوع املاک و مسکن ایجاد کند، بلکه این چالش می‌تواند سایر بخش‌های اقتصادی کشور را درگیر کند. از این‌رو امنیت در حوزه املاک و مستغلات از حساسیت مضاعفی برخوردار است که نباید اجازه داد در این امنیت خللی وارد شود.

افزایش بی‌رویه اجاره‌بها همواره یکی از پیچیده‌ترین و آسیب‌زاترین پدیده‌های اقتصادی است، زیرا بر خلاف قیمت برخی کالاها که ممکن است پس از مدتی تغییر کند، مسکن یک هزینه ثابت و اجتناب‌ناپذیر است. این پدیده مانند یک سنگریزه در چرخ‌دنده اقتصادی کشور عمل می‌کند که هم در سطح فردی (معیشت) و هم در سطح کلان (اقتصاد کشور) اثرات تخریبی بسیاری را به دنبال دارد. این تأثیرات در دو سطح تفکیک و تشریح می‌شود:

۱. **تأثیر بر معیشت و زندگی مردم (سطح خرد)**

وقتی بخش بزرگی از در آمد یک خانواده صرف اجاره می‌شود، زنجیره‌ای از مشکلات اجتماعی و اقتصادی در زندگی آنها شکل می‌گیرد:

– **کاهش شدید در آمد مازاد:** در آمد مازاد، پولی است که پس از پرداخت هزینه‌های ضروری باقی می‌ماند و صرف خرید کالا، خدمات، تفریح یا پس‌انداز می‌شود. با بالا رفتن اجاره، این در آمد حذف می‌شود. در نتیجه، مردم مجبورند از بودجه‌های دیگر (مثل کیفیت تغذیه، پوشاک، یا خدمات درمانی) کم کنند که این مهم در درازمدت اثرات مخربی را بر افراد یک جامعه ایجاد می‌کند.

– **تغییر الگوهای مصرف و کاهش کیفیت زندگی:** خانواده‌ها برای پوشش هزینه مسکن، ناچار به انتخاب کالاهای ارزان‌تر و با کیفیت پایین‌تر می‌شوند که در بلندمدت بر سلامت و سطح دانش فرزندان آنها (به دلیل عدم توانایی در پرداخت هزینه آموزش بهتر) اثر می‌گذارد.

– **ناپایداری اجتماعی و روانی:** هزینه‌های بالای اجاره باعث می‌شود خانواده‌ها مدام مجبور به جابه‌جایی باشند. این ناپایداری باعث قطع شدن پیوندهای اجتماعی، تغییر مدرسه کودکان و ایجاد استرس و اضطراب مزمن در میان والدین می‌شود.

– **افزایش بدهی:** بسیاری از خانواده‌ها برای تأمین اجاره یا سپرده لازم برای قرارداد، مجبور به استقراض و گرفتن وام‌های باسود بالا می‌شوند که آنها را در چرخه ابدی بدهی گرفتار می‌کند.

۲. **تأثیر بر اقتصاد کشور (سطح کلان)**

گرانی اجاره تنها یک مشکل خانوار نیست، بلکه محرک اصلی چندین بحران اقتصادی در سطح ملی است:

– **تغذیه چرخه تورم:** اجاره‌بها یکی از مؤلفه‌های اصلی شاخص قیمت مصرف‌کننده است. وقتی اجاره بالا می‌رود، هزینه تولید و خدمات (مثلاً مغازه‌دار که هزینه اجاره می‌دهد) نیز بالا می‌رود. این هزینه اضافی توسط فروشنده به قیمت کالا اضافه و باعث افزایش تورم می‌شود. بنابراین، اجاره‌بها به نوعی هم‌تنبیه تورم است و هم عامل آن.

– **کاهش تقاضا در سایر بخش‌های اقتصادی:** وقتی پول مردم در جیب صاحب‌خانه‌ها (بخش مسکن) حبس می‌شود، قدرت خرید آنها در بخش‌های دیگر (صنعت، کشاورزی، خدمات، خرده‌فروشی) کاهش می‌یابد. این یعنی کاهش گردش پول در اقتصاد و در نتیجه رشد اقتصادی کمتر. – **اختلال در تحرک نیروی کار:** یکی از پیش‌شرط‌های اقتصاد پویا، این است که نیروی کار بتواند از جایی به جای دیگر برود تا به شغل‌های بهتر برسد، اما اگر اجاره در مراکز اقتصادی (مثل تهران) بسیار گران باشد، کارگران و متخصصان نمی‌توانند به آن شهرها مهاجرت کنند. این موضوع باعث کمبود نیروی کار در بخش‌های مهم و ایجاد عدم تعادل در توزیع ثروت و کار می‌شود.

– **تخصیص نادرست سرمایه:** در اقتصادهایی که اجاره و قیمت مسکن بسیار بالاست، سرمایه‌گذاران به جای اینکه پول خود را در بخش‌های مولد (مثل کارخانه، تکنولوژی یا کشاورزی) سرمایه‌گذاری کنند، آن را به سمت مسکن و زمین می‌برند تا از افزایش قیمت و اجاره سود ببرند. این یعنی سرمایه‌گذاری غیر مولد که باعث می‌شود اقتصاد کشور رشد نکند، اما فقط قیمت‌ها بالا برود.

■ **خلاصه و نتیجه‌گیری (چرخه معیوب)**

رابطه این دو سطح را می‌توان در یک چرخه معیوب خلاصه کرد:

۱. افزایش اجاره، کاهش قدرت خرید مردم و رکود در سایر بخش‌های بازار

۲. کاهش قدرت خرید، کاهش تولید و سرمایه‌گذاری و کاهش رشد اقتصادی

۳. سرمایه‌گذاری در مسکن به جای تولید، افزایش قیمت مسکن و افزایش بیشتر اجاره

در واقع، گرانی اجاره، خانه، پولی را که باید در چرخه تولید و مصرف می‌چرخید، در کانال رانت و مسکن حبس می‌کند و باعث می‌شود اقتصاد از حالت پویا به حالت ایستا و تورمی تغییر وضعیت دهد.

■ **راهکار پلیس امنیت اقتصادی فراجا**

پلیس امنیت اقتصادی فراجا در راستای جلوگیری از سوءاستفاده سوداگران اقتصادی در حوزه املاک و مستغلات در نظر دارد با همکاری اتحادیه املاک با رصد و پایش اجاره‌بهای املاک برابر ضوابط ابلاغی و تعیین شده در مناطق مختلف تهران، استان‌ها و شهرستان‌های مختلف از حقوق همه افراد جامعه به خصوص مستأجران که بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف این موضوع می‌کنند، دفاع کند. از این‌رو گشت‌های مشترک پلیس امنیت اقتصادی فراجا و اتحادیه املاک از واحدهای مشاوران املاک مناطق مختلف بازدید و تلاش خواهد شد با واحدهای متخلف که برای کسب سودهای بیشتر واحدهای اجاره یا فروش خود را به قیمت‌های بالاتر از حد متعارف و تعیین شده معامله کرده‌اند برخورد جدی کنند که از تعطیلی واحد صنفی تا ابطال مجوز فعالیت واحدهای متخلف برای متخلفان اعمال خواهد شد.

■ **هر شهروند یک ناظر اقتصادی**

هر شهروند باید در شرایط موجود یک ناظر اقتصادی باشد. از این‌رو پلیس امنیت اقتصادی فراجا با راه‌اندازی ستاد خبری تلاش دارد با بهره‌گیری از اخبار و اطلاعات مردم با سرعت و دقت بیشتری با مفسدان و مجرمین اقتصادی که محتکران و گران‌فروشان و حتی متخلفانی که با ارائه قیمت‌های نجومی در حوزه املاک به ایسن گرانی‌ها دامن می‌زنند، برخورد کند. اخبار و اطلاعات خود را در سنتر سروش، بله و اپتا به آدرس @police30110 ارسال نمایند. ما مقدران همکاری و همراهی مردم هستیم.

■ **آگهی فقدان سند مالکیت**

آقای حمیدرضا جهانفر با ارائه دو برگ استساده‌یهد که در دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵۲ نور تصدیق شده است ، اعلام داشته مقدار ۳۵۰ سهم مشاع از ۱۳۸۰۰ سهم شش‌دانگ عرصه و اعیان زمین با بنای احداثی پلاک ۱۳ فرعی از اصلی بخش ۱۰ ثبت نور که در دفتر الکترونیک ۲۸۸۷/۰۰۰۶۰۰۳۱۰۹۹۲۱۳ به شماره سریال ۲۰۲۰۷۹-۳ به نام حمیدرضا جهانفر ثبت و صادر و تسلیم شد به علت نامعلوم مفقود شده ، لذا درخواست صدور سند المثنی نموده است در اجرای ماده ۱۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت و تبصره های ذیل آن مراتب در یک نوبت آگهی می گردد ، چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت مذکور نزد خود می باشند ، طرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی می بایست اعتراض خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه و رسید آن را در یافت نمایند. بدیهی است چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت و یا سند معامله ارائه نگردد این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی خواهد نمود.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۲۵- شناسه آگهی ۲۲۰۴۹۲۹

علی سعادت-ی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نور

■ **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

■ **اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز**

■ **اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه یک**

■ **آگهی فقدان سند مالکیت**

خانم افسانه تهرانی ضمن تسلیم دو برگ استسهادیه به تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت یک دانگ مشاع از شش‌دانگ یک‌دستگاه آپارتمان مسکونی واقع در طبقه چهارم سمت جنوبی قطعه ده تفکیکی بمساحت ۸۵/۱۵ متر مربع شماره پلاک ۱۴۹۴۱ فرعی از ۱۵۵ اصلی مفروز ۵ مجزی شده از پلاک ۷۶۶۸ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان بنام متقاضی ثبت و سند بشماره چاپی ۴۴۲۹۸ و دفتر الکترونیکي بشماره ۰۰۰۱۰۹۰۰۳۳۱۰۹۷۲۳۱۳۹۷۲ صادر و تسلیم شد که سند مالکیت بعلت سهیل انگاری مفقود گردیده است لذا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد. بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی اصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.

مهران رشیدی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

شناسه آگهی: ۱۵۴۲۷۱۸